

ارانی نخستین مروج بزرگ، پیگیر و دلیر فلسفه انقلابی و علمی عصر مادر ایران طی دوران تسلط استبداد و پیشروی فاشیسم در جهان بود. وی علم و عمل، عقیده و جهاد را با هم همراه کرده بود.

ماهنامه

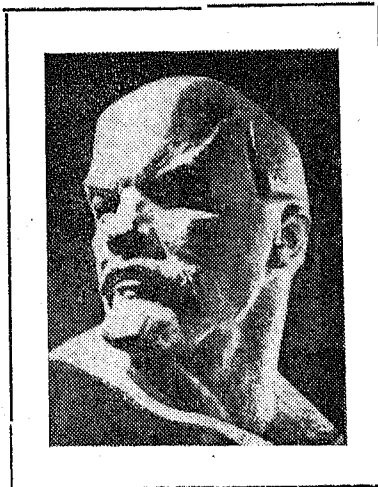
مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

در کنفرانسهای علمی

بمناسبت سده میلاد ولادیمیر ایلیچ لنین

موافق تصمیم پلنومهای ۱۲ و ۱۳ کمیته مرکزی حزب توده ایران در آستانه سده میلاد ولادیمیر ایلیچ لنین پیشوای داهی زحمتکشان جهان سه کنفرانس علمی با شرکت رفقای حزبی ما در خارج از کشور دایر گردید. در نخستین کنفرانس علمی رفیق کهنسال ما سیروس بهرام (آخوند زاده) که اینک ۸۶ - مین سال زندگی خود را می گذراند تحت عنوان «دیدار من با لنین نابغه کبیر پروتاریای جهان» سخنرانی کرد. رفیق سیروس بهرام که در موقع خود ماهنامه مردم و مجله دنیا زندگی او را منتشر کرده اند، تنها کمونیست زنده ایرانی است که به افتخار ابدی دیدار با لنین نائل آمده است. در این کنفرانس تحت عنوان «تأثیر اندیشه

بقیه در صفحه ۷



دکتر ارانی

دانشمند مجاهد و شهید

(بمناسبت سی سالگی شهادت وی - بهمن ۱۳۴۸ - ۱۳۱۸)

۱۴ بهمن ماه سال ۱۳۴۸ درست سی سال از شهادت دکتر تقی ارانی میگذرد. در چنین روزی در سال ۱۳۱۸ در دوران سلطنت استبدادی رضا شاه پهلوی در بیمارستان زندان مرکزی شهربانی تهران بدستور شاه و رئیس شهربانی وقت سرباس مختاری (رکن دنباله در صفحه ۴

ارانی شعله‌ای جاوید

سی سال پیش، در ۱۴ بهمن ۱۳۱۸ قلب سوزان ارانی، دانشور مارکسیست، انقلابی جانناز و میهن پرست پر شور در سیاه چالی که واضعین «قانون سیاه» برای نابودی آزادیخواهان ایجاد کرده بودند، از تپش باز ایستاد.

تقی ارانی در سال ۱۲۸۱ در خانواده یک کارمند ماله در تبریز بدنیا آمد. از پنج سالگی بعزت تغییر محل مأموریت پدرش مقیم تهران شد، در سال ۱۲۹۹ تحصیلات متوسطه خود را در دارالفنون به پایان رساند. سالهای جوانی ارانی مصادف با رویداد های بزرگ در جهان و ایران بود. نخستین جنگ جهانی و نبرد آشکار و

دنباله در صفحه ۷

سخنران ارانی

چطور میتوان عقایدی را قذف کرد که ریشه علمی آن با آغاز جامعه بشر شروع شده، در جمیع شعب زندگی فردی و اجتماعی از روی اصول و پایه های کاملاً علمی و منطقی اظهار نظر مینماید.

هیچ عقیده اجتماعی و مذهبی در تاریخ بشر وجود ندارد که در مدت کوتاه حیات خود با اندازه سوسیالیسم و کمونیسم راجع به آن کتاب تألیف و باین کثرت انتشار یافته باشد.

آیا ممکن است قوانینی که بدست اقلیت وضع شده است شفاف و حاکی از عدالت باشد؟

فقط آن قانون مقدس است که حافظ منافع توده باشد.

بقیه در صفحه ۷

شاد باش به دلیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران رفیق رضا رادمش

بمناسبت شصت و پنجمین سال تولد

رفیق و دوست عزیز، هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران از جانب خود و کمیته مرکزی و تمام رفقای حزبی شصت و پنجمین سال تولد شما را بشما صمیمانه شاد باش میگوید. شما از او جوانی پای در راه مبارزه انقلابی نهادید و طی این مدت وفاداری خویش را برای طبقه کارگر و اندیشه تابناک مارکسیزم لنینیزم، به جنبش جهانی کمونیستی و کارگری بی خلل نگاهداشتید.

شما بعنوان یکی از اعضای مبرز و قدیمی رهبری حزب و کسی که سالیان درازی است در مقام پر مسئولیت دبیر اولی حزب توده ایران قرار دارید، تمام نیروی خود را صرف خدمت بحزب توده ایران کرده اید. ما برای شما، دوست و رفیق عزیز، عمر دراز و کامیابی در راه خدمات بیشتر بحزب و مردم ایران را آرزو مینمید. با درود صمیمانه حزبی هیئت اجراییه حزب توده ایران

نامه شادباش

رفیق والتر اولبریش

بمناسبت شصت و پنجمین سال تولد رفیق رضا رادمش

بمناسبت شصت و پنجمین سال تولد رفیق رضا رادمش دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران از جانب دبیر اول حزب سوسیالیست متحد آلمان رفیق والتر اولبریش نامه زیرین

دنباله در صفحه ۷



کودتای نافرجام ارتجاع و امپریالیسم در جمهوری عراق

جریان توطئه

شب ۲۱ ژانویه کودتا -
چنان مرکب از عناصر فوق العاده ارتجاعی؛
افسران سابق ارتش نوری السعید، نوکران
شرکتهای نفتی یعنی عوامل مغرب امپریالیست
های امریکائی و انگلیسی که عده ای از
افسران ارتش عراق را بانواع حیل با خود
همراه کرده بودند، دست بکار شدند. رهبران
توطئه که از مدتها پیش مقدمات کار را تهیه
دیده بودند، بطرف کاخ ریاست جمهوری
رفتند و بمأمورین کاخ تهنیت گفتند و در همان
موقع توقف شدند. در واقع یکی از افسران
میهن دوست که خود را در میان آنها جا
کرده بود مورد اعتماد آنها قرار گرفته بود
آنها بدم انداخت. دولت عراق بسرعت
چهل و چهار نفر از توطئه گران را محاکمه
و در ۴۸ ساعت اعدام نمود و با ضبط سلاح
هائی که از طرف مأمورین سیا و ساواک در
اختیار کودتاچیان گذاشته شده بود، خطر
را در نطفه خفه کرد، صد ها مسلسل و صد ها
هزار گلوله ساخت آلمان غربی توقیف و در
معرض تماشا گذاشته شد. بنظر میرسد که
کودتاچیان در کار خود عجله کرده باشند.
کشف توطئه که طبق نظر مقامات رسمی
دولت عراق با کمک سازمان امنیت ایران و
دستگاه جاسوسی امریکا ترتیب داده شده
بود، موجب شد که دولت عراق فراخواندن
عاملی سفیر، سرهنگ علائی وابسته نظامی
و داود ظاهر دبیر سوم سفارت ایران و همچنین
بستن تمام کنسولگریهای ایران را در عراق
ظرف ۲۴ ساعت ضمن اعتراض شدید بدخالت
آنها، مورد عراق، از دولت ایران بخواهد.
دولت ایران نیز باین اقدام دولت عراق اعتراض
و متقابلاً سفیر عراق و اعضاء سفارت و مأمورین
کنسولگری های عراق در ایران را اخراج
کرد و با اعزام نیروهای نظامی بیشتری به
مرزهای عراق دست یازید.

چرا توطئه کردند؟ - اقدامات دولت

عراق در زمینه سیاست نفت ملی، اجرای
اصلاحات ارضی، بر سر مبارزه شناختن جمهوری
دموکراتیک آلمان، تحکیم و بسط مناسبات
دوستانه با اتحاد جماهیر شوروی، بستن قرار
دادهای اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی
از جمله قرارداد استخراج گوگرد باهلستان
آغاز مذاکره با حزب کمونیست عراق
مخصوصاً اقدامات جدی برای حل مسئله کرد
که تاکنون قدمهای امید بخشی در راه حل
آن برداشته شده، ارتجاع و امپریالیسم و
متصدین آنها حکومت اسرائیل و ایران را
بر آن داشت که قبل از پایان قطعی اختلافات
بین دولت عراق و بارزانی، حکومت عراق
را سرنگون کنند و رژیم دلخواهی بجای
آن بنشانند. رئیس جمهور عراق احمد حسن
الاکبر در میتینگ بزرگی که بمناسبت درهم
شکستن توطئه در بغداد تشکیل شده بود،

گفت که امپریالیسم بین المللی و ارتجاع
داخلی توطئه چیدند تا دست آورد های مردم
عراق را نابود کنند و عراق را بار دیگر زیر
یوغ بندگی امپریالیسم در آورند. این میتینگ
بدنبال تظاهرات عمومی مردم بغداد هنگام
تشییع جنازه دو نفر از سربازان که بدست
توطئه گران کشته شده اند، تشکیل گردید.

حل مسئله کرد - اینک چند هفته است
که بین حکومت عراق و بارزانی مذاکرات
برای حل مسئله کرد با موفقیت جریان دارد
و پیشرفت میکند و امید است که بزودی مرحله
قطعی و نهائی خود برسد. هم اکنون طرفین
بموافقتهای رسیده اند که بر اساس آنها
میتوان طرح مشخصی برای اجرای تصمیمات
در چند مرحله تنظیم کرد. وجود اختلافات
و زد و خورد مسلح با کرد ها باعث شد که
حکومت های عراق ظرف مدتی قریب به نه سال
یک میلیارد و پانصد میلیون دلار صرف جنگ
داخلی کنند. بخوبی روشن است که با حل
مسئله کرد بار سنگین هزینه نظامی ازدوش
مردم برداشته و حکومت عراق از هر جهت
تقویت خواهد شد. سدام تکریتی معاون
شورای انقلابی عراق چندی قبل در مصاحبه
با مغرب پرآودا در این باره اظهار داشت که
در حال حاضر وضع کشور ما بجائی رسیده
که حل مسئله کردستان و حل سرنوشت تمام
مردم بهم مربوط است. تکریتی اضافه کرد
ما هدفمان طبق مقتضیات روز نیست بلکه حل
اساسی مسئله است. ما باید آنرا برای ابد
حل کنیم تا نسل آینده از این بابت رنج
نکشد. مغرب پرآودا با ملا مصطفی بارزانی
نیز مصاحبه کرده و اظهارات او را چنین نقل
میکند: حل مسئله کرد باستی بخشی از ترقی
دموکراتیک عراق باشد و با استقلال عراق
کمک نماید، از روی این اظهارات میتوان
دریافت که طرفین ضرورت اقدامات مثبت را
برای حل اختلاف درک کرده اند. حسن
الاکبر رئیس شورای انقلابی عراق اخیراً
مفهوم اعلامیه ۱۹۶۶ دولت عراق در زمان
حکومت (البرزان) را برای حل مسئله کرد
تأیید کرد.

اعلامیه دولت عراق - روز یکشنبه ۳۰

ژانویه ۱۹۷۰ دولت عراق از رادیو بغداد
اعلام داشت:

«شورای فرماندهی انقلاب مفاد اعلامیه
ژوئن ۱۹۶۶ مربوط بمسئله کرد را تأیید
میکند طبق تعهد انقلاب مبنی بر حل مسئله
کرد از طریق مسالمت آمیز و عادلانه و بر
اساس علاقه ای که با ایجاد شرایط لازم برای
اجرای مفاد اعلامیه ۲۹ ژوئن دارد، تصمیمات
ذیل را اتخاذ میکند: ۱ - تمام کسانی که در
حوادث کردستان اعم از نظامی و غیر نظامی
دنباله در صفحه ۷

روش ضد توده ای و ضد شوروی

کمک مستقیم به امپریالیسم و ارتجاع است

همکار امپریالیسم کیست؟

همه دود آن بچشم مردم چین میرود. زیرا
آنها هستند که باید بار سنگین مشکلات
اقتصادی را بدوش بکشند و با محرومیت های
گوناگون دست بگریبان باشند. آنها هستند
که باید خفقان ناشی از دیکتاتوری نظامی
مائوتسه دون را تحمل کنند. آنها هستند که
باید از دوستی با سایر کشورهای سوسیالیستی
و قبل از همه اتحاد شوروی محروم گردند.
و عواقب خطرناک آنرا بپذیرند.

سیاست گروه مائوتسه دون ضمناً کمک
مستقیم به امپریالیسم و پیش از همه به امپریالیسم
امریکاست. زیرا مگر نه اینست که از ضعف
سیاسی و اقتصادی و نظامی چین، از به
اصطلاح سوسیالیسمی که در چین توسط
گروه مائو تبلیغ میشود، از روش ماجراجویانه
و سکنارستی چین در سیاست خارجی، از
اختلاف و انشعاب در جنبش جهانی کمونیستی
از اختلاف مرزی و برخورد نظامی با اتحاد
شوروی، و بالاخره از این هیستری ضد
شوروی فقط امپریالیسم و درجه اول امپریالیسم
امریکاست که سود میرد؟ مگر زمامداران
امریکا بارها نگفته اند که از «موقعیت طلائی»
اختلاف بین شوروی و چین باید حد اکثر
استفاده را کرد؟ مگر تلاش دولت نیکسون
برای نزدیک شدن به چین در جهت اجرای
همین نقشه نیست؟ اشتباه نشود. ما کاملاً
موافقم و لازم میدانیم که چین هم سیاست
خارجی خود را بر پایه همزیستی مسالمت آمیز
قرار دهد و بر این پایه با تمام دولت ها و از جمله
امریکا مناسبات اقتصادی و سیاسی و فرهنگی
داشته باشد.

بنا بر این صحبت بر سر این نیست که
چرا چین با کشورهای امپریالیستی روابط
سیاسی و بویژه اقتصادی و بازرگانی دارد و
میکوشد داشته باشد؟ سؤال اینست که چرا
اتحاد شوروی که بار سنگین مقابله و مقاومت
و مبارزه بر ضد امپریالیسم در درجه اول بر
دوش اوست اگر همین سیاست همزیستی
مسالمت آمیز را، که شکلی از مبارزه طبقاتی
در صحنه جهانی است، دنبال کند «روزیونیست
و همکار امپریالیسم امریکا» است؟ چرا
چین بجای آنکه لبه تیز حمله را متوجه
امپریالیسم و امپریالیسم امریکا سازد عملاً
حملات خصمانه خود را متوجه اتحاد شوروی
کرده است؟ آیا این همکاری با امپریالیسم
امریکا نیست که آشکارا دشمن اصلی خود
را اتحاد شوروی اعلام کرده و تمام نیروی
سیاسی و اقتصادی و نظامی و تبلیغاتی خود
را بطور عمدتاً متوجه اتحاد شوروی کرده است؟
آیا دیگر هیچ سفسطه ای، هیچ جمله پردازی
انقلابی متواتر ماهیت شوونیستی و همزیستی
سیاست گروه مائوتسه دون و همکاری عملی
آنرا با امپریالیسم امریکا بر ضد اتحاد شوروی
بپوشاند؟

دنباله در صفحه ۵

در این اواخر در چین تمام دست گاههای
اقتصادی و نظامی و تبلیغاتی به آماده کردن
مردم برای «جنگ» مشغولند، جنگی که
گویا بر ضد چین تدارک میشود. در نخستین
لحظه اینطور بنظر میاید که برای کشور
که خود را سوسیالیستی مینامد و امپریالیسم
را منشاء جنگ میدانند، تدارک کنندگان
ضد جنگ چین قاعدتاً باید امپریالیستها و قبل از همه
امپریالیستهای امریکائی باشند و مردم چین هم
باید آماده برای مقابله با امپریالیسم و در رأس
آن امپریالیسم امریکا گردند. ولی آشنائی
با سیاست گروه مائوتسه دون و آنچه که در
چین برای «آمادگی جنگی» میگذرد ما را
خیلی زود با حقیقت تلخی روبرو میسازد.
چون این به اصطلاح آمادگی جنگی نه بر
ضد امپریالیسم، بلکه بر ضد اتحاد شوروی
نخستین و بزرگترین کشور سوسیالیستی
انجام میگردد، و نه با افسامه ایت امپریالیسم، بلکه
با سبلی از دشنام و اتهام به اتحاد شوروی
همراه است. در واقع سیاست ضد شوروی
گروه مائوتسه دون اوج جدیدی گرفته و به
هیستری ضد شوروی تبدیل شده است.

شایان ذکر است که این هیستری ضد
شوروی درست در زمانی رخ میدهد که از
بکطرف بنا به ابتکار اتحاد شوروی و تحت
فشار مقتضیات سیاسی داخلی و خارجی چین
مجبور شده است بمذاکره با اتحاد شوروی
برای حل اختلافات مرزی تن در دهد و از
طرف دیگر پس از دو سال دوباره مذاکرات
چین و امریکا آغاز شده و تدارک این
مذاکره با رفع برخی محدودیتهای بازرگانی
و توریستی از طرف امریکا بنفع چین همراه
بوده است.

هیستری ضد شوروی و تدارکات جنگی
بر ضد شوروی در زمانیکه مذاکرات بین
شوروی و چین برای حل اختلافات مرزی
جریان دارد این حقیقت را بیش از پیش
ثبوت میرساند که محرك اختلافات مرزی
گروه مائوتسه دون بوده و هم این گروه است
که نمیکوشد و نمیگذارد که این مذاکرات
به نتیجه برسد و اختلافات حل شود. علت
آنهم روشن است. فلاکت و هرج و مرج
ناشی از «انقلاب فرهنگی» که تمام شئون
اقتصادی و سیاسی و نظامی و فرهنگی را
فرا گرفته، گروه مائوتسه دون را بر آن داشته
است که برای انحراف افکار عمومی مردم
چین یک دشمن خارجی، که در صدد حمله به
چین است برترشد و این دشمن خارجی در
چارچوب سیاست گروه مائوتسه دون البته
اتحاد شوروی است! اینها همه البته نشانه
ضعف است. حاکی از مشکلات گوناگونی
است که چین در نتیجه سیاست ضد انقلابی
گروه مائوتسه دون با آن روبروست. ولی
این سیاست عمیقاً زیان بخش است و قبل از

ضرورت تاریخی

همزیستی مسالمت آمیز بین دو دولت آلمان

در باره کنفرانس مطبوعاتی والتر اولبریش، دبیر اول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان و رئیس شورای دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان

روز دوشنبه ۱۹ ژانویه (۲۹ دیماه) سال جاری کنفرانس مطبوعاتی بزرگی در برلین پایتخت جمهوری دموکراتیک آلمان تشکیل شد. خبر تشکیل این کنفرانس توجه فراوان محافل اجتماعی جهان را بخود جلب کرده بود. باامداد روز ۱۹ ژانویه گروه بزرگی از نمایندگان جراند و مجلات و مخبر ادیب و تلویزیون از سراسر جهان و از جمله از نیویورک، لندن و بن برای استماع سخنرانی والتر اولبریش دبیر اول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان و رئیس شورای دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان در بنای شورای دولتی آلمان سوسیالیستی گردآمده بودند. بسیاری از روزنامه نگاران کشورهای غربی که در صفحات روزنامه های خود در عدم شناسایی جمهوری دموکراتیک آلمان عناد میورزند در این سفر بار دیگر واقعیت عینی موجودیت این جمهوری مستقل حاکم بر حقوق خویش را برای العین مشاهده کردند. همه آنها برای ورود بیاتخت آلمان سوسیالیستی می بایست از مقامات جمهوری دموکراتیک آلمان جواز رسمی دریافت دارند.

پیش از ۳۰۰ روزنامه نگار در تالار دولتی منتظر سخنرانی رفیق والتر اولبریش بودند.

پروفیسور آلبرت نوردن عضو وروسی سیاسی کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان کنفرانس مطبوعاتی را گشود و رشته سخن را به رفیق اولبریش سپرد.

رئیس شورای دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان ضمن سخنرانی عمیق و جامع خود محتوی طرح قرار داد پیشنهادی جمهوری دموکراتیک آلمان را در باره برقراری مناسبات مبتنی بر حقوق بین المللی میان دو دولت آلمان تشریح کرد و اظهاراتی را که ویلی براندت صدر اعظم آلمان غربی چند روز پیش از آن در مجلس آلمان غربی کرده بود مورد تحلیل نقاد قرار داد.

فقط يك راه وجود دارد

رفیق والتر اولبریش در آغاز سخن گفت:

موضوعی که در اینجا از آن سخن خواهد رفت چگونگی عقد قرار داد تنظیم مناسبات میان جمهوری دموکراتیک آلمان و جمهوری فدرال آلمان غربی است که مسائل جنگ و صلح و آرامش و امنیت لازم برای کار سازنده انسانها و از جمله ملل اروپا را در بر

میگیرد. ضرورت تاریخی همزیستی مسالمت آمیز هر دو دولت آلمان و تجربه سالهای اخیر عقد قرار داد تنظیم مناسبات عادی مبتنی بر حقوق و موازین بین المللی و برابری حقوق و فوارغ از هر گونه تبعیض میان این دو دولت را ایجاب میکنند. ما میدانیم که برای حصول این مقصود فقط یکراه وجود دارد و آنهم راه همزیستی مسالمت آمیز است. بهمین جهت بود که ما بار دیگر پیشگام شدیم و پیشنهاد کردیم که در ژانویه سال ۱۹۷۰ میان رئیس هیئت وزیران جمهوری دموکراتیک آلمان و صدر اعظم فدرال آلمان غربی مذاکراتی پیرامون این قرارداد صورت گیرد. والتر اولبریش خاطر نشان ساخت که جمهوری دموکراتیک آلمان با پیشنهاد عقد این قرار داد راه حل معقولی برای مسائل موجود نشان میدهد که منافع همگان را در بر دارد. هدف مساعی دولت جمهوری دموکراتیک آلمان بازداشتن آلمان غربی از سیاست تلافیجویی و جلوگیری از تسلیح اتمی و از سیاست جنگ و کماک بمبارزه است که مردم آلمان غربی و در درجه اول زحمتکشان و جوانان آلمان غربی در راه صلح و تأمین آینده بهروز خود انجام میدهند.

شکست کامل سیاست تلافیجویی

رئیس شورای دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان نطق صدر اعظم آلمان براندت را در مجلس آلمان غربی «نطق مشحون از تضادهای عمیق» نامید و گفت صدر اعظم آلمان غربی در این نطق هیچگونه پیشنهاد سازندهای که بسود تأمین همزیستی مسالمت آمیز میان دو دولت آلمان باشد مطرح نساخته است. رفیق والتر اولبریش افزود که سیاست تلافیجویی آلمان غربی با شکست کامل مواجه شد و اینک برای دولت بن فرصت نیکویی دست داده است تا از تاریخ درس بگیرد و سیاست تلافیجویی را که هیچگونه دورنمایی برای آن متصور نیست بکلی ترک گوید.

والتر اولبریش به تحلیل مفهوم ملت آلمان که صد سال پیش بیسمارک اجزاء آنرا با «گوله و خون» بهم پیوند داده بود توجه فراوان معطوف داشت و گفت آلمان پس از هر جنگ کوچکتر از پیش شد و سرانجام امپریالیستهای آمریکا و آلمان غربی دست بدست هم دادند و ملت آلمان را تجزیه کردند و آنگاه این عمل را «با قرار داد های پاریس که آذنائی بر خلاف اراده مردم آلمان غربی آنها را امضا کرد تثبیت نمودند». اگر صدر اعظم براندت با این قرار دادها موافقت دارد و آنها را بقوت کامل خود باقی میداند با این وصف «چگونه میتواند از وحدت آلمان سخن گوید؟»

والتر اولبریش سپس خاطر نشان

ساخت که طرح قرارداد پیشنهادی جمهوری دموکراتیک آلمان در باره عادی کردن مناسبات میان دو دولت آلمان با اعلامیه جلسه ملاقات رهبران کشورهای سوسیالیستی، که در آغاز دسامبر سال گذشته در مسکو بر گزار شد مطابقت کامل دارد. صدر اعظم آلمان غربی و دولت او همسراه با نمایندگان حزب دموکرات مسیحی پیشنهاد انعقاد قرار داد با جمهوری دموکراتیک آلمان را رد کردند و حال آنکه چنین قراردادی بویژه وثیقه تأمین صلح اروپا خواهد بود.

در آلمان غربی مدعیند که طرح این قرار داد گویا «حداکثر خواستههای» جمهوری دموکراتیک آلمان را در بر میگیرد. ولی اگر این طرح بدقت بررسی گردد دیده میشود که از هر جهت با موازین بین المللی مناسبات موجود میان دولتها و ملل مطابقت دارد و در آن هیچ پیشنهادی نیست که برای جمهوری دموکراتیک آلمان برتری قائل شود و حقوق جمهوری فدرال آلمان را خدشه دار سازد. طرح این قرار داد اصول برابری حقوق و نفی هر گونه تبعیض را ملاک قرار میدهد و بدینسان حداقل خواستههای جمهوری دموکراتیک آلمان را در بر دارد.

راه تحقق امکان خودداری از توسل بزور

رفیق والتر اولبریش سپس اظهارات براندت را درباره امکان مذاکرات پیرامون خودداری از توسل بزور در مناسبات میان دو دولت آلمان مورد تحلیل قرار داد و گفت اصولاً چنین پیشنهادی در طرح قرارداد نیز مطرح شده است. وانگهی باید باین حقیقت بدیهی توجه داشت که قرار داد خودداری از توسل بزور فقط زمانی میان دو دولت منعقد میشود که آن دو دولت یکدیگر را بر پایه حقوق و موازین بین المللی برسمیت شناخته باشند. اگر دولت بن واقعاً خواستار پیشنهاد عقد چنین قراردادی با جمهوری دموکراتیک آلمان است باید جدی بودن این تمایل را با شناسایی جمهوری دموکراتیک آلمان بعنوان یک دولت حاکم بر حقوق خویش و بعبارت دیگر با برقراری مناسبات مبتنی بر برابری حقوق با این دولت به ثبوت برساند.

والتر اولبریش در این زمینه تصریح کرد که انعقاد قرار داد خودداری از توسل بزور میان کشورهای سوسیالیستی از یکسو و آلمان غربی از سوی دیگر «امر مشترک کشورهای سوسیالیستی است».

سخنران ضمن اشاره بمسئله برلین گفت که این شهر «به جمهوری فدرال آلمان تسلق ندارد دوهر گز هم بآن تعلق نخواهد داشت».

در باره تشکیل کنفرانس امنیت اروپا والتر اولبریش خاطر نشان ساخت که جمهوری دموکراتیک آلمان برای تدارک و برگزاری این کنفرانس تمام نیروی خود را بکار خواهد برد و ضمناً تصریح کرد که تمام دولت های اروپائی و از آنجمله هر دو دولت آلمان باید بر پایه برابری کامل حقوق در این کنفرانس شرکت کنند و دولت آلمان غربی که میکوشد شرکت خود را در این کنفرانس در گرو «تسبیح مذاکرات میان

دو دولت آلمان» بگذارند باید از هر گونه مانوری در این زمینه دست بردارد.

رفیق والتر اولبریش در پایان سخن رانی خود گفت:

اگر دولت آلمان غربی میخواهد سیاست انساندوستانه و خردمندانه در پیش گیرد باید برای همیشه از سیاستی که «ماهیت و هدف آن ضد انسانی و تجاوزکارانه است» و از هر گونه نقشه های تلافیجویانه علیه جمهوری دموکراتیک آلمان دست بکشد و در قبال موجودیت سوسیالیسم در خاک آن سازگار گردد. و اما شرط تحقق این هدف عبارت است از:

شناسایی بی چون و چرای وضع موجود در اروپا و بویژه شناسایی هستی دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان بر پایه حقوق و موازین بین المللی، شناسایی بی قید و شرط مرزهای میان جمهوری دموکراتیک آلمان و جمهوری فدرال آلمان بعنوان مرزهای رسمی دولتی، امتناع کامل از دعوی انحصار حق نمایندگی سراسر آلمان و از «دکترین هالشتاین»، خودداری از هر گونه تبعیض در حق جمهوری دموکراتیک آلمان و اتباع آن و نیز برقراری مناسبات عادی میان دو دولت آلمان بر پایه حقوق بین المللی و برابری حقوق.

دبیر اول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان و رئیس شورای دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان پس از پایان سخنرانی خود به سئوالات عیدینه ای که روزنامه نگاران مطرح ساختند و تعداد آنها از ۶۰ سؤال متجاوز بود پاسخ داد و از جمله در پاسخ سردبیران دو روزنامه سندی کائی آلمان غربی گفت: «تمام آنچه که ما میخواهیم ستیم و میباید بگوئیم در طرح قرار داد پیش نهادهی خود گفته ایم و اکنون در انتظار پاسخ رسمی به پیشنهاد خویش هستیم».

شناسایی جمهوری دموکراتیک آلمان حکم زمان است

شناسایی جمهوری دموکراتیک آلمان اکنون به جنبشی مبدل شده است که روز بروز عده بیشتری از کشورهای جهان را فرا میگیرد. تنها طی یکسال و چند ماه اخیر جمهوری یمن، کامبوج، عراق، سودان، سوریه، مصر و کنگوی برازاویل جمهوری دموکراتیک آلمان را برسمیت شناخته اند و در خود آلمان غربی نیز حتی در میان محافل حاکمه آن شناسایی این جمهوری پیوسته هوا داران بیشتری پیدا میکنند.

در این میان دولت ایران با سمت گیری یکجانبه بسود سیاست تجاوزکارانه کشور های امپریالیستی و برخلاف روح زمان در عدم شناسایی جمهوری دموکراتیک آلمان عناد بخرج میدهد. به پیروی از همین سیاست دولت ایران چندی پیش روابط بسیار محدود اقتصادی و بازرگانی خود را نیز با این جمهوری بسود محافل تجاوزکار امپریالیستی آلمان غربی و آمریکا قطع کرد و برعکس روابط اقتصادی خود را با انحصارات تاراجگر آلمان غربی بیش از پیش توسعه داد.

دکتر ارانی دانشمند و مجاهد شهید

الدین) دکتر تقی ارانی را بنا بشیوه متداول در آن دوران یعنی با دغلی و فرومایگی تبه کاران جیون نابود کردند و بدین ترتیب دانشمند ترین روشنفکر ایرانی را که بدفاع از عقیده و علم مردانه ایستاده بود بدیوار نستنی فرستادند. ایران آنروز بوجود چنین کسیکه در علوم طبیعی و اقتصادی عصر خویش قوی چنگ بود و بی اغراق در گروه معدود روشنفکران آنزمان از جهت دامنه دانش و ژرفای آن همتائی نداشت نیاز بسیار داشت. ولی استبداد خونخوار را منافع دمنشانه خود گرامی تر بود تا مصالح فرهنگ و تکامل یک ملت. درخیم دست پلید خود را فرود آورد، بی آنکه پروا کند چگونه چراغی را خاموش مسازد.

در باره ارانی سخنان بسیار گفته شده و میتوان گفت ولی ما میخواهیم تنها به قوی ترین جهت شخصیت او که ترویج پیگیر و دلیرانه فلسفه انقلابی و علمی عصر ما، ماتریالیسم دیالکتیک در دشوار ترین شرایط در ایران و جهان و با قبول خطر حتمی مرگ است بپردازیم. ارانی از ایام اقامت آلمان با مکتب فلسفی مارکس، انگلس و لنین آشنا شد و بنام معنی مجنوب صلابت منطقی و عدالت و علمیت احکام و اهمیت و فعالیت نظریات این جهان بینی گردید. ارانی آموزش مارکس، انگلس و لنین را فرا گرفت و هضم کرد. وی یک ناقل خشک و جامد و کتابی این آموزش نیست. تمام آثار او نشان میدهد که ارانی نه فقط در ادراک و ارائه این آموزش روشی خلاق داشت، بلکه برای انطباق آن بر عرصه های مختلف علوم طبیعی زمان خود کوشید و در راه انطباق آن بر سیر تاریخ تفکر در کشور ما ایران نیز گامهای نخستین را برداشت. ارانی اعتقاد راسخ داشت که تنها در سایه این جهان بینی جامعه بشری و حیات معنوی آن قادر است به تکامل سریع و تحول کیفی بزرگی نائل آید و جامعه ایران نیز جز این کلیدی برای گشودن معضلات خود ندارد.

ارانی در اثر ارزنده خویش موسوم به «تئوریهای علم» در این باره چنین مینویسد: «تنها ماتریالیسم عقیق و قوی، یعنی ماتریالیسم دیالکتیک» و اصول مادی و منطقی میتواند، با تئوری متحد الشکلی تضاد علوم را مرتفع سازد و بدون شک در سایه همین اصول و اسلوب، علم و اجتماع صورت جدید بخود گرفته و ترقیات سریعی که از دایره ادراک متفکرین امروز خارج است، خواهد نمود.»

پیش بینی ارانی را که از اعتقاد علمی او برخاسته است سیر آتی حوادث ثابت کرده و بیش از پیش ثابت خواهد کرد. ارانی شیفته حقیقت و علمیت و از توسل به ضد حقیقت ییزار بود و این روحیه از آثار او همه جا میتراود. وی در اثر خود موسوم به «بشر از نظر مادی» نفرت خویش را از مغلطه گران در علم و حقیقت بیان میدارد و

مینویسد: «گاه يك عده پیدا میشوند که تحت تأثیر منافع طبقاتی خود، در علم هم تقلب میکنند و دروغ میگویند، دروغ گوئی در علم وقیح ترین اقسام کذب است». همین اندیشه را در اثر دیگر خود «ماتریالیسم دیالکتیک» تکرار میکند و مینویسد: «نفع مادی رؤیت عده ای از طبقات را چنان محدود میکند که بخودشان هم دروغ میگویند.»

ولی ارانی که بمنافع توده های زحمتکش مین خود، بمنافع وسیع بشریت زحمتکش تکیه داشت نیازی و نفعی نداشت که بخود دروغ بگوید یا در حقایق علمی تخیل کند، حقیقتی را که او یافته بود يك حقیقت مبهم ماوراء طبقات نبود. این حقیقت مارکسیسم بود که بقول لنین نیرومند است زیرا راستین است. این حقیقت آموزش ماتریالیسم دیالکتیک بود که میتوانست سر رشته سعادت بشری را بدست دهد. وی در اثر خود «عرفان و اصول مادی» مینویسد:

«اصول مادی و منطقی امروز بشر، بنام علوم، صنایع و اجتماعات و هنر ارتباط کامل دارد و او را از خرافات اعم از اینکه در قسمت طبیعی یا بیولوژی یا پسیکولوژی یا سوسیولوژی باشد، خلاص کرده و بوی راه خوشبختی را نشان داده است.»

در همین اثر جای دیگر وابستگی کامل اسلوب فکری خود را با ماتریالیسم تاریخی بیان میدارد و تصریح میکند که بررسی او از عرفان بطور اعم و عرفان ایرانی بطور اخص بر اساس اسلوب تحقیقی ناشی از این تئوری انجام گرفته است. ارانی مینویسد: «برای ما يك قضیه مجرد و مجزی در وسط تاریخ وجود ندارد. ما فلسفه مادی تاریخ را بعنوان يك عصب و شریان اصلی در نظر گرفته، نه عقاید را اعم از عرفان یا غیر آن مطالعه نمودیم تا محل و موقعیت عرفان در میان تمام عقاید واضح شود.»

«تکامل، تبعیت بمحیط، ارث»، «ماتریالیسم دیالکتیک»، «زندگی و روح هم مادی است»، «عرفان و اصول مادی»، «بشر از نظر مادی»، «زن و ماتریالیسم» نام برد. در سال ۱۳۱۰ ارانی کتاب مهم و عمیق خود «تئوریهای علم» را منتشر کرد و در آن به بررسی نقادانه تئوریهای معاصر فیزیک از دیدگاه ماتریالیسم دیالکتیک پرداخت. ما دیگر از فعالیتهای ادبی و تحقیقی ارانی مانند نگارش مقدمه بر اثر «وجه دین» ناصر خسرو و تصحیح و تحشیه «شرح ما اشکل من مصادرات اقلیدس» خیام سخن نمیگوئیم که هر يك در جای خود دارای ارزش است.

در نوشته های فلسفی ارانی که بطور عمده بر پایه اثر مارکس «سرمایه» آثار انگلس «آنتی دورینگ» و «مناشأ خانواده و دولت» اثر لنین «ماتریالیسم و آمپریسم-کریتیسیسم» نگاشته شده است و یا از کتب متداول توضیحی آن ایام فیض گرفته است بطور اساسی مسائل فلسفه مارکسیستی اعم از دیالکتیک، ماتریالیسم فلسفی و ماتریالیسم تاریخی توضیح میشود. بعنوان نمونه و برای آشنائی مشخص تر با سبک فکر و تحقیق ارانی یکی از مهمترین مقالات وی را موسوم به «ماتریالیسم دیالکتیک» مورد بررسی قرار

میدهم. در بخش اول و دوم این سلسله مقالات (که با امضاء مستعار «احمد قاضی» در مجله دنیا نشر یافته) ارانی بر اساس کتاب انگلس «آنتی دورینگ» و پایان فلسفه کلاسیک آلمان و کتاب لنین «ماتریالیسم و آمپریسم-کریتیسیسم» (یا بقول ارانی «فلسفه مادی و حسی - انتقادی») تئوری شناخت مارکسیستی را بررسی میکند، مکاتب مختلف ایده آلیستی، آمپریک، پوزیتیویستی و نیز ماتریالیسم متافزیک را مورد انتقاد قرار میدهد و عقاید افلاطون، لائینس، دکارت، برکلی، کانت، هیوم، هگل، شوپنهاور، اوگوست کنت، ماخ، برگسن و دیگران را بعنوان نمایندگان مکاتب مختلف ایده آلیستی بانگه تحلیل انتقادی مردود میسورد. دکتر ارانی وسیعاً از علوم ریاضی و طبیعی معاصر خود برای اثبات صحت تئوری شناخت ماتریالیستی، اثبات واقعیت جهان خارج از ذهن انسان و رابطه مطلقیت و نسیت در معرفت انسانی استفاده میکند و سوء استفاده طرفداران ایده آلیسم فیزیک و دیگر مکاتب علم نمای فلسفی معاصر را برملا مسازد. در بخش سوم این سلسله مقالات اصول دیالکتیک مطرح میشود. ارانی میکوشد منظره ای از تاریخ تکامل اسلوب دیالکتیک از زمان هرا کلت تا مارکس ترسیم کند و تفاوت هر مرحله را نسبت به مرحله پیشین نشان دهد. وی منطبق دیالکتیک را با منطق صوری که ارانی آنرا «منطق جامد» مینامد مورد مقایسه قرار میدهد و اصول دیالکتیک را مانند تغییر و ارتباط، تکامل، وحدت و برد ضدین (یا بگفته ارانی «نفوذ ضدین») تغییر کمیت به کیفیت، قانون نفی در نفی و پیدایش نو از کهنه و تکامل از طریق تز (یا بقول ارانی حکم) و آنتی تز (یا بقول ارانی ضد حکم) و سنتز (یا بقول ارانی حکم ترکیبی) شرح

میدهد. این سلسله مقالات نخستین و جامع ترین بیان اسلوب دیالکتیک مایر تالیستی در زبان فارسی است و طرف سخن ارانی در این سلسله مقالات نسل جوانی است که بپورده در تهران با علاقه و هیجان مجله دنیا روی آورده بود و از آن نشید تازه ای می شنیده است. بهبود نیست که ارانی سلسله مقالات مورد بحث خود را با این عبارت ختم میکند:

«تاریخ فکر خوانندگان جوان، نظر اساسی مجله دنیاست.»

ارانی نه تنها ماتریالیسم دیالکتیک را با عبق تمام درک کرده و توضیح داده است، استنباط وی از ماتریالیسم تاریخی نیز بهمین اندازه عمیق است. در آثار مختلف ارانی مانند «تئوریهای علم»، «عرفان و اصول مادی»، «بشر از نظر مادی» استنباط ماتریالیسم تاریخی بیان شده است. سودمند است در این باره نیز نمونه هایی بدست بدهیم ارانی در اثر برجسته خود «تئوریهای علم» قانونیت پدیده های تاریخی، ضرورت و منطقیات تاریخی پیدایش این یا آن جریان این یا آن دوران را مورد بحث قرار میدهد و با نظریه ایده آلیستی که تاریخ را انبوه درهم تصادفات غیر قابل توضیح و نامعقول میسورد مخالفت میکند. از جمله در این زمینه مینویسد:

«ایده آلیست عقیده دارد پیدایش شدن «فئودالیسم» در قرون وسطی ناگهانی بود و اسباب بد بختی بشر شد و تکامل جامعه بنی نوع بشر را بعداً ترویج انداخت. متفکر مادی منطقی از این اشتباه بری است و میدانند که وضعیت قرون قدیمه خود، ظاهر شدن اصول فئودالیسم را ایجاد میکرد. اگر اینطور نبود ظاهر نمیشد. از طرف دیگر خود اصول فئودالیسم قرون وسطی پایه و اساس پیدایش شدن مراکز قدرت در قرون جدید و پیشرو ظهور طبقه بورژوازی است، یعنی برای آنکه حالت بعد بظهور برسد، باید حالت قبل وجود داشته باشد.»

در همین اثر ارانی نظریه ایده آلیستی را دایر بانگه نسیت و تغییر پذیری معرفت انسانی دلیل بر آنست که این معرفت دارای محتوی واقعی نیست رد میکند و منظره تکامل تئوریهای علمی را بمانای منظره خروج تئوری های علمی صحیح تر از تئوریهای علمی کمتر صحیح ترسیم مینماید و بار دیگر ضرورت توالی حالات در رشتة تکامل توجه میکند و مینویسد:

«تئوریهای علمی روز بروز در تغییر میباشند. افکاری که با اصول و قوانین صحیح تفکر آشنا نیستند این موضوع را دلیل بر صحت مکتب ایده آلیسم میدانند و میگویند چون حقیقت هر روز برای ما تغییر کرده، پس حقیقت در قضایائی که درک میشوند وجود ندارد! چه، حقیقت ثابت است و آنچه که ثابت است مایم. پس حقیقت در ماست. با اندکی تفکر بطلان این شیوه استدلال واضح میشود. يك تئوری که جانشین تئوری دیگر میشود ناگهان بظهور نمیرسد، بلکه تئوری منسوخ شده پایه و اساس تئوری جدید ناسخ

روش ضد توده‌ای و ضد شوروی

آنهاست. انشعاب در انشعاب، گروه بندی در گروه بندی، تو خالی در آمدن شمارهای نادرست و ماجراجویانه همه شان دهنده آنست که اینها هم کوهی بودند (بمقیده خودشان) و موشی زائیدند!

ولی روش ضد توده‌ای و ضد شوروی گروه‌های رنگارنگ مائوئیستی در عین حال کمک مستقیم به امپریالیسم و ارتجاع است. زیرا مگر نه اینست که آنها تفرقه و پراکنندگی و تشتت فکری و سازمانی اپوزیسیون ضد رژیم را تشدید کرده‌اند؟ مگر نه اینست که آنها، درست مانند رژیم، لبه تیز حمله خود را بسوی حزب توده ایران متوجه کرده‌اند؟ مگر نه اینست که آنها هم مانند امپریالیسم امریکا دشمن اصلی خود را اتحاد شوروی اعلام کرده‌اند؟ اینها واقعاتی است که با هیچ چشم بندی، با هیچ سفسطه و اتهام و ناسزائی، با هیچ انقلاب‌گری کاذبی نمیتوان آنرا پوشاند.

ما باز هم هشدار میدهیم

هشدار مجددی برای آن نیست که مائوئیستهای رنگارنگ ایرانی میتوانند سد راه پیشرفت مشی واقعا انقلابی حزب توده ایران گردند. این را آنها هم مانند اسلاف خود آزمودند و خیلی زود سرشکسته و ورشکسته شدند. این هشدار برای گرداندن کان گروه‌های مائوئیستی هم نیست که گوش بفرمان بکن دادند و همه پلها را پشت سر خود شکسته‌اند. هشدار ما برای آن گروه‌جویانی است که احساسات میهن پرستانه و انقلابی آنان مورد سوء استفاده قرار گرفته، برای کسانیت که در جستجوی راهی برای آزادی میهن ما بدام شادان افتاده‌اند. اینها هستند که باید بخود آیند و دوست و دشمن واقعی را از هم تمیز دهند، فریفته ظاهر نگردند، عمق وقایع و سیاستها را ببینند و درک کنند و نیروی خود را که جنبش بدان نیاز فراوان دارد به‌بهر ندهند.

ما از مبارزه طاع و آشتی ناپذیر با متخرفان مائوئیست و همه کسانی که روش ضد توده‌ای و ضد شوروی در پیش گرفته‌اند، بهر شکل که در آیند یک لحظه هم باز نخواهیم ایستاد. ما در عین حال تمام نیروی خود را بکار خواهیم برد تا جوانان میهن پرست و انقلابی را از دامهای گونا گونی که در برابر آنها گسترده‌اند، بر حذر داریم و به آنها کمک کنیم تا به مبارزان جنبش اصیل و واقعی انقلابی میهن ما تبدیل گردند. ما تردید نداریم بهمان دلیل که مائوئیستهای رنگارنگ ایرانی و همه متخرفان ضد توده‌ای و ضد شوروی روز بروز و علیرغم تشدید حملات خصمانه آنها به حزب ما و اتحاد شوروی، ورشکسته تر میشوند، مشی انقلابی حزب ما و حزب کمونیست اتحاد شوروی برغم دشواریها و بفرنجها صحت و درخشندگی خود را بیش از پیش بشیوت خواهد رساند. (م. انوشه)

همکار ارتجاع در ایران کیست؟

ظاهراً مائوئیستهای رنگارنگ ایرانی نیز این واقعت را می بینند و به همین جهت است که در مباحثات شفاهی دیگر بگفتار دفاع آشکار از سیاست گروه مائوئیست دهنده، که قابل دفاع نیست، نمی پردازند. ولی همین مائوئیستهای رنگارنگ ایرانی که حزب ما را به «فقدان استقلال در اندیشه و عمل» متهم می‌کردند اینک در نوشته‌های خود بنده وار و بطرز مشتمل کننده‌ای هر کلمه و هر جمله‌ای را که در مطبوعات بکن بخش میشود طوطی وار تکرار میکنند و در صدد «اثبات» آن بر می‌آیند. درست به همین دلیل هیستری ضد شوروی همراه با هیستری ضد توده‌ای، مائوئیستهای رنگارنگ ایرانی را نیز فرا گرفته‌است. این به اصطلاح قهرمانان مبارزه با امپریالیسم و رژیم شاه، اینها که ما را به «سازش» با رژیم متهم میکنند اینک اولین سخنانشان و مهمترین بخششان و عمده نوشته‌ها و گفته‌هایشان بر ضد امپریالیسم و ارتجاع ایران نیست، بلکه بر ضد اتحاد شوروی و حزب توده ایران است.

هیستری ضد شوروی و ضد توده‌ای مائوئیستهای رنگارنگ ایرانی هم البته نشانه ضعف و از هم پاشیدگی و ورشکستگی

دنباله از صفحه ۶

بیسکاری روز افزون

در سالهای اخیر کنسر سیوم نفت هزاران کارگر خود را به خیابان ریخته است. کارگاهها و کارخانه‌های زیادی نیز که توانسته‌اند در مقابل هجوم کالا‌های خارجی به بازارهای ایران مقاومت کنند تعطیل شده‌اند. مهاجرت روستائیان آواره و بی‌کار از روستاها به شهرها و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ ادامه دارد. رژیم ایران متکرر وجود بی‌کاری است ولی چهره دژم آن در هر گام دیده میشود.

ا. فروزان

آرمان خلق آگاهانه جانبازی کند. در تاریخ کشور ما کارنامه شهیدان با نام مزدک‌ها و بابک‌ها آغاز میشود و در دوران ما به‌ارانی‌ها و روزبه‌ها و دیگر شهیدان ارجمند حزب و نهضت میرسد. شاید همه کسانی که در این جاده مقدس پای گذاشته‌اند دارای عظمت و شخصیتی بیکسان نباشند ولی همه از محبت و عشق و سیاسی مردم برخوردارند و منبع الهام بهترین و روشن‌ترین احساسات انسانی، دلبرانه‌ترین و والا ترین اعمال حیاتی هستند. به همین سبب دریابان این سخن بجاست بگوئیم: درود پرشور و افتخار جاوید بهمه شهیدان حزب و نهضت رهائی بخش ایران که در راه عدالت و حقیقت اجتماعی، زندگی

این گرانها ترین سرمایه را نثار کردند! سخنانی زین احسان طبری در چاهه یاد بود دکتر تقی ارانی

آلمان را همه جا میکوبید و افسانه تھی نژاد برتر و فروتر را افشا میکرد. در آن هنگام که ارانی فاشیسم را با قدرت و صلابت میکوبید، ایران یکی از گانونهای تبلیغات فاشیستی بود و رژیم موجود به این امر میدان میداد. روزنامه مصور «ایران باستان» بمدیریت سیف آزاد و باشگاه علنی به همین نام نسخه بدل ایرانی فاشیسم را عرضه میداشت و نقش «صلیب شکسته» را در کاشی کارهای «دروازه دولت» جستجو میکرد و میخواست برای فاشیسم ریشه ایرانی بیابد و افسانه بوج نژاد خالص آریائی بخش میشد. عمال ستون پنجم هیتلری در ایران متشکل میشدند و دولت وقت که هر گونه تجمعی را جرم لایقفر میشد، با نظر اغماض و هوا داری باین جریان می‌گریست. افشاء گری ارانی برای او سرانجام به بهای جان تمام شد ولی تاریخ نشان داد که چقدر ارانی در این افشاء گری خود ذبیح بود. تاریخ پیروزی مهنوی را بنام ارانی نوشت و فاشیسم را در تنگ ابد مدفون ساخت. اهمیت افشاء گریهای ارانی امروز که نفو فاشیسم از طرف امپریالیسم و محافل ارتجاعی ایران با اشکال دیگری بمان آورده میشود، اهمیت و فعلیت خود را حفظ میکند. نباید فراموش کرد که هیئت حا که کنونی ایران بان ایرانیم را که شکل نفو فاشیسم ایرانی است به رتبه یک ایدئولوژی رسمی مورد حمایت رژیم اوج داده است. در دفاعیه قهرمانانه ارانی در دادگاه جنائی تهران جهت علمی و انقلابی ارانی، دو جهت بیکبر و جدائی ناپذیر شخصیت وی باوج تلاؤ رسید. این دانشمند مجاهد در این دادگاه ستم با همان عظمتی رفتار کرد که شهیدان بزرگ علم مانند جوردانو برونو و تازو کامپانلا رفتار کردند. وی ثابت کرد که نه فقط از جهت شخصیت عقلی خود بلکه از جهت سبجه انسانی خویش انسان بزرگی است و از آنجا که اجتماع این دو مبداء در تاریخ نادر است، بدون تردید میتوان گفت که ارانی از بزرگان تاریخ ما و تاریخ معاصر است.

دفاعیه ارانی در دادگاه عزم شوم جلدانش را برای نابود کردن وی جزم کرد. آنها دانستند که در وجود ارانی جنبش‌رهائی بخش مردم ما رجل نیرومندی پدید آورده است که نباید او را در عرصه زندگی باقی گذاشت.

با آنکه ترویج مارکسیسم - لنینیسم بیش از ارانی بوسیله نشریات مارکسیستی در ایران و خارج از کشور کمابیش انجام گرفته و برخی آثار کلاسیکهای مارکسیستی ترجمه شده بود، با اینحال باید گفت ارانی این کار را با کیفیت و عمق اسنوبی ویژه و نافذ انجام داد و میتوان او را در این زمینه صلاحه داری بی رقیب دانست.

ارانی از آن کسانی بود که بحقیقت علمی و عدالت اجتماعی عشق میورزید و در سر این سودای عالی از همه نعمات عادی زندگی گذشت و به جاویدانان تاریخ پیوست و وارد بارگاه افتخار ابدی شد. به همین سبب روز شهادت او روز شهیدان است، ما نام شهید را بکسی اضلاق میکینیم که در راه

است. اگر اولی وجود نداشت دومی بظهور نمیرسید. اگر در علوم طبیعی پایه فیزیک و شیمی خود را بر روی اساس اتم لایتجیزی بنا نمیکردیم، بکشف اجسام رادیو اکتیو که قابل تجزیه بودن اتم را ثابت میکند، موفق نمیشدیم. اگر فرض غلط عناصر اریه در کار نبود، فیزیک اتمیک امروز بوجود نمی‌آمد.

ارانی در آثار خود نشان میدهد که تاریخ بشر در یک سیر تکامل است که به طرف آزادی کار از قید استعمار می‌رود. وی میخواهد مردم ایران را به داشتن نظر نقادانه بسوی نظام موجود جامعه جلب نماید و همان سخن برجسته ای را میکوبد که ما آنرا در این تالار بصورت شعاری نصب کرده‌ایم: «متوجه شدن به عیب اجتماع قدم اول آنست» (بشر از نظر مادی) و نیز «میتواند سیر جبری تاریخ قابل انستاد نیست» (مائوئیسم دیالکتیک). وی افسانه وحدت ملی را که برای خواب کردن طبقات ستدیده بسود طبقات ستمگر ساز میشده‌است افشاء مینماید و مینویسد:

«یک ملت یکدستگاه متحد و یکواخت نیست. در داخل ملت، طبقات و منافع متضاد، نسبت اکثریت و اقلیت آنها را باید در نظر گرفت» (بشر از نظر مادی). ارانی رابطه فرد و جمع را در جامعه بعنوان رابطه جزء با کل مورد مطالعه قرار داده مینویسد: «اجزایس از جمع شدن، حاصل جمع مستقلا دارند که خواص آن، نه فقط با خواص اجسام مرکب کننده فرق دارد، بلکه بستگی تامی بطرز ارتباط زمانی و مکانی آن اجزاء دارد.» (بشر از نظر مادی) در چارچوب این ارتباط دیالکتیکی بین جزء و کل، بین فرد و جمع، ارانی فرد را متوجه وظائف خود میسازد و مینویسد: «فرد را نمیتوان مجزی و خارج از جامعه و مستقل فرض کرد. خاصیت فرد وقتی مشخص میشود که مقام آن در دستگاه جامعه معین باشد» (بشر از نظر مادی)

توجه داشته باشید که ارانی با زبان مستور، با زبان ازوب سخن میگفت زیرا مجله دنیا علنی نبود و او میخواست در این ارگان علنی اندیشه‌های انقلابی خود را بیان دارد. او همه جا با عقاید متداول در میان روشنفکران عصر، با عرفان مآبی تو خالی که بورژوا مبلغ آن محمد علی فروغی و برادرش ابوالحسن فروغی بودند با نظریات نادرست بازگشت به دوران قبل از ماشین که در آن موقع سخت تحت تأثیر تعالیم گاندیزم از طرف شادروان کسروی بخش میشد مبارزه میکرد. اثر جالب «عرفان و اصول مادی» به همین جهت نوشته شد. به همین دلیل است که در همین اثر ارانی مینوشت:

«برای خوشبختی بشر در هم شکستن ماشین انحطاط و عقب رفتن است. یکقدم باید جلو تر رفته و موقعیت غلط ماشین را باید در هم شکست» (عرفان و اصول مادی) ارانی بویژه تیری خامه انتقادرا متوجه فاشیسم میساخت که بنده تاریخ روز بود. وی ثنوری نژادی روزنیز رنگ ایدئولوگ فاشیست

بیکاری روز افزون

در باره تعداد بیکاران در کشور ما آماری وجود ندارد. کوشش میشود در این زمینه کمتر سخن گفته شود. رژیم ایران تصور میکند با جلوگیری از بیان حقیقت میتواند حقیقت را پنهان دارد. همه جا سخن از رفاه و سعادت مردم است. دستگاههای تبلیغاتی شاه در شیور خود می‌دند که در ایران «معجزه‌های بزرگ» صورت گرفته است: انقلاب سفید همایونی به بیکاری، فقر و پریشانی مردم پایان داده است.

ولی چهره عبوس فقر همه جا دیده میشود. سیاه عظیم بیکاران همچنان در جستجوی کار و نان شهرها و روستاهای ایران را می‌پیماید. در شهریور امسال سمناری پیرامون «برآورد نیروی انسانی» در تهران تشکیل شد. شرکت کنندگان در سمنار با وجود کوششی که در توجیه علل بیکاری در ایران بعمل آوردند به یکسلسله حقایق نیز در باره «موقعیت نامناسب نیروهای فعال کشور» اشاره کردند. در سمنار گفته شد: جمعیت ایران با سرعت رشد می‌یابد بنحوی که احتمال می‌رود طی بیست سال آینده ۱۳۴۵-۱۳۶۵ از حدود ۲۶ به حدود ۵۱ میلیون نفر بالغ گردد، یعنی تقریباً دو برابر شود. در حالی که امید کارایی در سالهای آینده همچنان ناچیز خواهد بود...

«جمعیت ایران بسیار جوان است بنحوی که ۵۵ درصد افراد آن کمتر از ۲۰ سال دارند و میزان فعالیت عمومی در آن بالنسبه قلیل و در حدود ۳۱ درصد است. حال آنکه در سراسر جهان بیش از ۴۲ درصد کل جمعیت بعنوان جمعیت فعال بحساب می‌آید. این نسبت در اروپا حتی از ۴۵ درصد متجاوز است... میزان تکفل در جامعه ایران بالا است و فقط یک نفر از ۳ نفر کار میکند تا معاش دو نفر دیگر را تأمین نماید...»

موضوع قابل توجه این است که در همین جمعیت فعال بالنسبه قلیل «کودکان و نوجوانان کمتر از دهسال هنوز نسبت قابل ملاحظه‌ای را تشکیل میدهند (۱۰٪). روشن است که بهره‌وری کار کودک و نوجوان قلیل است و خود از قدرت مجموع نیروی کار بوجه نمایان میکاهد.

سمنار تأکید کرد که مشارکت زنان در قدرت فعاله کشور محدود است. آمار - فقط در ۱۲ درصد زنان را از نظر اقتصادی فعال شمرده است.

سمنار برای اولین بار به مسئله بیکاری پنهان و آشکار در ایران اشاره کرد. هر چند آماری که قرائت شد سطحی و ناقص بود با اینحال ترسیم ناروشنی از وضع بیکاری در کشور نشان میداد. گفته شد: «در سال ۳۴۵ (۱-۲) کل جمعیت فعال کشور (۷۶۱ میلیون نفر) تقریباً ۹ درصد بیکار بوده است یعنی (۶۹۱۴۰۰ نفر)... آمار سال ۱۳۴۵

تعداد دیلمه‌های بیکار را نیز ۲۳۴۰۰ نفر اعلام کرده است. در سمنار گفته شد: «تخمین وسعت بیکاری پنهان و یا کم کاری آسان نیست. بر طبق بررسی‌های سال ۱۳۴۵ حدود ۱۴۸۰۰۰ نفر از کارکنان مملکت در هفته کمتر از ۳۶ ساعت کار می‌کرده‌اند».

سمنار به بررسی وضع حاضر نپرداخت. گفتند آماری در دست نیست. ضمناً شرکت کنندگان در سمنار نمیخواستند نقاب از چهره رژیم بردارند و تا بلوی رقت بار زندگی مردم را در مقابل گردانندگان آن قرار دهند.

در سالهای اخیر دیده میشود دستگاه‌های دولتی ایران کوشش می‌ورزند سخنی در باره بیکاری گفته نشود. چند سال پیش فقط یکبار عطاء اله خسروانی وزیر کار اعتراض کرد که در ایران بیش از یک میلیون نفر بیکار وجود دارد. پس از آن گوئی استعمال واژه بیکاری ممنوع شد. سخن از «بیکارگی» بیان آمد. گردانندگان رژیم یکبار منکر وجود بیکاری شدند.

سالهاست که دیگر سخن از «سیاه عظیم بیکاران» نیست. شاه حتی گفته است: «فقط تن پروران از بیکاری می‌نالند».

با اینحال بیکاری وجود دارد و چهره عبوس آن در هر گام دیده میشود. طبق آماری که توسط وزارت کار و خدمات اجتماعی منتشر شده است از سال ۱۳۴۶ تا شهریور ۱۳۴۸ فقط ۸۱۲ جوان دیلمه و لسانیه توانسته‌اند در دستگاههای دولتی برای خود کار بیابند. دولت ایران با تورم کارمند روبروست و سازمانهای وابسته بان جز با پارتی و پول کسی را استخدام نمیکنند. صنایع وابسته و مونتاز ایران نیز که در اطراف آن شدت تبلیغ میشود قادر نیست سیاه عظیم بیکاران را جذب کند در ایران سخن از بیکاری نیست، ولی سران رژیم چپ و راست ب مردم وعده کار میدهند.

روز ۲۳ بهمن ۱۳۴۶ - شاه در وین بدانشجویان گفت: «در سالهای آینده یک میلیون شغل در انتظار جوانان کشور است. در سال آینده (منظور سال ۱۳۴۷ است) حد اقل ۱۰۰۰۰۰۰ جا برای استخدام جوانان بوجود خواهد آمد».

دهها هزار جوان بیکار ایرانی که سالها در بدر بدنبال کار می‌گردند و صدها جوانیکه طی ده سال اخیر با ایران بازگشته‌اند و نتوانسته‌اند کاری برای خود بیابند میتوانند بگویند این ادعا تا چه حد بحقیقت پیوسته است. برای آنکه منظره‌ای از بیکاران را در ایران نشان دهیم به چند نمونه کوچک اشاره میکنیم. مجله تهران اکونومیست در شماره ۸۰۳ خود نوشت: سازمان تعاونی کشور به ۱۶۰ نفر برای آموزش در کلاس

های تخصصی تعاونی احتیاج داشت. یک هزار و شصت نفر در استادیوم محمد رضا شاه و سالن ورزشی فرح جمع شدند.

روزنامه دیپلمات مینویسد: شرکت ساختمانی ارفع اعلام کرد بدو جوان با سواد احتیاج دارد. فردای آنروز بیش از ۴۰۰ نفر جلوی دفتر شرکت جمع شدند. روزنامه کیهان نوشت: سازمان تبلیغاتی خروس طلائی یک کارمند احتیاج داشت تعداد داوطلبان بقدری بود که راه عبور و مرور را بند آوردند. در کنگور امسال دانشگاههای سراسری کشور بنا بنوشته روزنامه‌های ایران ۴۸۰۰۰ جوان شرکت کردند. تنها ۷ هزار نفر آنها قبول شدند و بقیه به اردوی بیکاران پیوستند. چهره مخوف بیکاری در شهرهای کوچک و روستاها عیان تر بچشم میخورد. روزنامه کیهان در شماره ۲۱ مهر ماه ۱۳۴۸ خود نوشته است: «در غالب شهرها و روستاها تعداد افراد بیکار بر عده شاغلان میچربد و از همین روست که فقط ۷ میلیون ایرانی بنحوی از انحاء به فعالیت مشغولند و از این راه درآمدی عاید خود میکنند».

در بهار سال ۱۳۴۸ بیش از ۳۴۰۰ جوان ایرانی تحصیلات خود را در کشورهای خارجی پایان دادند. بسیاری از آنها بکشور خود باز نگشتند. آنها با تمام علاقه ای که به زادگاه خود داشتند ترجیح دادند در خارج بمانند زیرا میدانستند رژیم شاه جز سربازخانه و زندان چیزی برای آنها ندارد.

یک نمونه دیگر اشاره میکنیم: در کنگره استخدامی کشور که امسال برای اولین بار تشکیل شد بیش از ۲۸ هزار جوان بیکار شرکت کردند. اینها کسانی بودند که خود را واجد شرایط دشواری میدانستند که گردانندگان کنگره دولتی اعلام کرده بودند. پس از یکماه فقط از ۳۷۱ نفر آنها برای کار دعوت شد. این وضع جوانان تحصیل کرده است. بیکاری در میان توده مردم عمیقتر است. در آذر ماه امسال رئیس دفتر شکایات مجلس شورای ملی اعلام کرد: «در روز بطور میانگین ۳۰۰ نامه بدفتر شکایات مجلس میرسد. سی تا چهل درصد این نامه‌ها درخواست کار است». «هویدا در آخرین مسافرت خود به آذربایجان ۲۸۴۲ نامه شکایت دریافت کرد. خود او گفت: «اکثر آنها کار میخواهند که ما دستور داده ایم رسیدگی کنند».

بازرسی شاهنشاهی نیز بنا بگفته رئیس آن در ماه بطور متوسط ۵۰۰ نامه دریافت میکند که بسیاری از آنها درخواست کار است. وجود صدها هزار بیکار در ایران زمینه مساعدی برای سازمانهای دولتی و مؤسسات خصوصی جهت بهره‌کشی و سوء استفاده از این نیرو فراهم آورده است. بانکهای خصوصی دیلمه‌های جوان را با دستمزدهای ناچیز استخدام میکنند و پس از مدتی فقط برای آنکه چیزی به حقوق آنها اضافه نکنند اخراجشان میکنند. شرکتهای دولتی، مقاطعه کاران، مؤسسات خصوصی، کارگاهها، کارخانه‌ها و حتی ادارات دولتی از این نیروی ارزان کار بطرق مختلف استفاده

ضرورت تاریخی

آلمان غربی در زمینه صدور کالا با ایران که اکثراً کالاهای مصرفی است در میان تمام کشورهای جهان جای اول را اشغال میکند. کل صادرات آلمان غربی به کشور های دیگر جهان در سال گذشته ۱۸ میلیارد مارک بود و یک میلیارد و دوست میلیون مارک آن تنها با ایران وارد شد. ولی صادرات ایران با آلمان طی آنسال فقط ۷۱ میلیون مارک یعنی در حدود ۱۷ بار کمتر از واردات آلمان با ایران بود و این نمونه است که ماهیت غارت گرانه روابط اقتصادی کشورهای امپریالیستی با ایران از یکسو و ماهیت ضد ملی سیاست رژیم کنونی را آشکارا نشان میدهد.

روابط اقتصادی و بازرگانی ایران با جمهوری دمکراتیک آلمان با وجود دامنه محدود آن برای رشد اقتصادی و صنعتی ایران اهمیت فراوان داشت. جمهوری دموکراتیک آلمان در مقابل صدور خشکبار و پشم و موی بز که در آلمان غربی و سایر کشورهای اروپای غربی یا بازار ندارد یا بازار آن محدود است انواع ماشین آلات مدرن صنعتی و کشاورزی که ایران با آنها نیاز فراوان دارد صادر میکرد. مصالح حیاتی ایران ایجاب میکرد که دامنه این روابط بیش از پیش بسط یابد و در پرتو آن ایران از کمکهای اقتصادی و علمی و فنی این کشور مدرن صنعتی سوسیالیستی اروپا برای پیشرفت خود بهره‌مند گردد. ولی دولت ایران بجای بسط این روابط به قطع آن پرداخت و بدینسان بار دیگر علیرغم کر و فر در زمینه پیروی از «سیاست مستقل ملی» وابستگی کامل خود را به سیاست تجاوزکارانه امپریالیستی ثابت کرد.

آلمان سوسیالیستی اکنون در میانه‌های یافته‌ترین کشورهای صنعتی جهان جای دهم را دارد و عامل مهم مبارزه در راه صلح و امنیت اروپاست. جنبش شناسایی این جمهوری شکوفان سوسیالیستی علیرغم تلاشهای بن و واشنگتن و پیروان آنان در تهران روز بروز دامنه وسیعتری بخود می‌گیرد.

شناسایی آلمان سوسیالیستی حکم زمان است و زندگی به مخالفان این راه پوز خند خواهد زد.

بیکار

میکنند آنها از میان هزاران کارگر بیکار، دو یا سه نفر را استخدام میکنند، از میان صد ها تقاضای کار یک یا دو تقاضا را مورد توجه قرار میدهند. از صد ها و هزار ها جوانی که برای کار مراجعه میکنند فقط یک یا دو نفر را میپذیرند. طبیعی است مؤسسات دولتی و خصوصی با در نظر گرفتن هزاران دستی که بسوی آنها دراز شده است کمترین دستمزد را به بهترین کارگر و یا کارمند پیشنهاد میکنند.

کودتای نا فرجام . . .

شرکت کرده‌اند، مشمول عفو عمومی میشوند. ۲ - از مقامات مسئول خواسته میشود کار - مندانی را که از کار بعثت شرکت در حوادث کردستان اخراج کرده اند مجدداً بکار گمارند.

اعلامیه ژوئن ۱۹۶۶ - این اعلامیه در زمان حکومت عبدالرحمن بزاز صادر گردید. طبق این اعلامیه ملیت کرد بطور رسمی شناخته میشود، زبان کردی در مناطقی که اکثریت با کردهاست زبان رسمی خواهد بود. کردها در تمام فعالیتهای دولتی به نسبت جمعیت خود حق شرکت خواهند داشت. جوانان کرد خواهند توانست در دانشگاههای تمام کشور تحصیل کنند، کرد هائی که در ارتش و شهرداری بوده اند و واحد های خودباز میگردند و یک وزارتخانه مخصوص برای تجدیدساختمان منطقه کرد نشین شمال تأسیس میشود. مقامات مسئول عراق از دو ماه پیش تصمیماتی برای فراهم کردن زمینه حل اختلافات اتخاذ و دستور هائی در زمینه امور فرهنگی صادر کرده اند. طبق این دستور ها از این پس کردها در تمام مؤسسات فرهنگی حتی در آکادمی نظامی حق تحصیل خواهند داشت و نویسندگان کرد حق تشکیل مجامع و تأسیس جرائد خود را دارند.

اینک دولت عراق توسطه ای را که امپریالیستها چیده بودند در هم شکسته است و راه عافلانهای را برای پایان دادن بجزگ داخلی و اصلاحاتدمو کراتیک در پیش گرفته و امید است که با کامیابی همراه باشد. ولی بدون تردید ارتجاع و امپریالیسم و حکومت ایران که با اعزام نیرو بمرز های عراق این کشور را تهدید میکنند، از پای نخواهند نشست و بهر گونه توسطه و تحریکی دست خواهند زد. آنها سعی خواهند نمود که از احساسات تند عناصر افراطی که با حل مسئله صکدر بر اساس موافقت نامه ژوئن ۱۹۶۶ ناخشنودند و همچنین از پاره ای عناصر ارتشی که بعثت جزگ داخلی دارای امتیازاتی شده اند علیه حکومت عراق استفاده کنند و مشکلات تازه ای بوجود آورند. تنها راه مقابله با اینگونه تشبثات ایجاد جبهه واحد و متحدی از تمام نیرو های مترقی داخلی، ادامه اصلاحات دمو کراتیک و توسعه و تعمیق آنها و استفاده از کمک های بی شائبه ایست که جبهه صلح و سوسیالیسم رهبری اتحاد جماهیر شوروی بجنبش های صلح خواهانه و مترقی مینماید. در پایان مقال ذکر این نکته لازم است که مردم ایران علاقمند بوجود عراقی مترقی و دمو کراتیک در همسایگی خود هستند و هیچگاه نباید اقدامات دولت ایران را بحساب مردم ایران گذاشت. بیروزی مردم عراق در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع بفتح مبارزه مردم ایران است همچنانکه پیشرفت جنبش ملی در ایران در جنبش مردم عراق مؤثر بود.

۱. گویا

در کنفرا نس علمی

بمناسبت سده میلاد و. ای. لنین

های لنین در جنبش کارگری ایران، «لنین و آزادی خلقهای شرق در نمونه وطن ما ایران»، «سیمای لنین در ادب تاجیک»، «سیاست خارجی لنینی اتحاد شوروی و استقلال ایران»، «سیمای لنین در شعر معاصر فارسی»، «لنین و ایران» سخنرانیهای انجام گرفت. در دومین کنفرا نس علمی سخنرانیهای زیرین انجام گرفت: «مراحل اصلی انتشار اندیشه های مارکسیسم - لنینسم در کشور های خاور میانه و نزدیک»، «تأثیر ایده های لنین در تکامل ایده نولوژیک جنبش آزادی بخش و استقلال ملی ایران»، «چهره لنین در هنر های زیبای ایران»، «چهره لنین و تم اکثیر در ادبیات دموکراتیک فارسی و آذربایجانی»، «لنین و ایران» «برخورد لنین به آثار باستانی خلقها».

در سومین کنفرا نس علمی سخنرانیهای زیرین انجام گرفت: «اهمیت جهانشمول لنینسم»، «لنین و انترناسیونالیسم پرولتاری»، «لنین و وحدت جنبش جهانی کمونیستی و کارگری»، «سیمای جهانی لنین»، «لنینسم و مبارزات رهائی بخش ملل شرق»، «تعلیمات لنین در باره تأسیس دولت و حقوق ملی در کشور های آزاد شده»، «برخورد لنین به نقش ارتشیان در جنبشهای آزادی بخش ملی»، «لنین و تحلیل موقعیت تاریخی و اهمیت بین المللی انقلاب مشروطه ایران»، «لنین و احیاء استقلال ملی ایران»، «آموزش لنینی امپریالیسم و برخی پدیده های نقوذ امپریالیسم معاصر در ایران»، «لنینسم و رفورمهای اجتماعی - اقتصادی در ایران»، «تعلیم لنین و مرحله کنونی مبارزه نیرو های ملی و دمو - کراتیک در ایران»، «ایده های لنین بزرگ و نحوه انعکاس آن در ادبیات معاصر ایران»، «سیمای لنین در ادب فارسی».

رو بهمرفته ۲۷ سخنرانی در کنفرا نس های سگانه انجام گرفت. در همه کنفرا نسها مهمانان و ایران شناسان معروف محل حضور داشتند. از طرف رهبری حزب در کنفرا نسهای سگانه رفیق احسان طبری حضور یافت و سخنرانی کرد. کنفرا نسهای سگانه در فضای برخوردار جیدی و پر شور و شرکت فعالانه حاضران در بحث برگزار شد و علامت روشن احترام و اعتقاد بی پایان رفقای ما به ولادیمیر ایلیچ لنین و آموزش انقلابی وی بود. گزارش تفصیلی این کنفرا نسها در مجله دنیا (ویژه نامه لنین - شماره بهار سال ۱۳۴۹) درج خواهد شد.

شعبه تبلیغات و انتشارات حزب خواهد کوشید، چنانکه در مورد سخنرانیهای سگانه های سگانه «انقلاب اکثیر و ایران» انجام گرفت، مجموعه سخنرانیها را بصورت کتابی نشر دهد. این بهترین وسیله انتقال تجارب فکری و عملی رفقای ما در خارج از کشور به نسل نوین رزمندگان انقلابی است.

نامه شادباش

رفیق والتر اولبریش

ارسال گردید:

رفیق رضا رادمش محترم، از جانب کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان و از جانب خود بمناسبت شصت و پنجمین سال تولد شما صمیمانه ترین شادباش ها و درودهای بیکار جوانه را ابلاغ میدارم. شما در تحکیم دوستی بی خلل و پیوند نزدیک بیکار جوانه بین حزب سوسیالیست متحد آلمان و حزب توده ایران بر پایه مارکسیزم-لنینیزم و انترناسیونالیزم پرولتاری سهم جدی دارید.

رفیق رضا رادمش عزیز اجازه دهید شما را نسبت به همبستگی برادرانه کمیته مرکزی حزب متحد آلمان مطمئن سازم. امید است شما سالان دراز از تندرستی کامل و کار خلاصه موفقیت آمیز برای رهائی خلق ایران و در راه صلح و دموکراسی و سوسیالیزم بهره مند باشید.

دبیر اول حزب سوسیالیست متحد آلمان والتر اولبریش

در پاسخنامه فوق از جانب هیئت اجرایی حزب توده ایران نامه تشکر آمیزی بعنوان رفیق والتر اولبریش ارسال گردیده است.

سخنات ارانی

محصولات انقلاب که جریان طبیعی تاریخ آنها را ایجاد کرده حقایق دارد.

قانون اساسی فعلی ایران محصول یک انقلاب خونین این ملت است که برای تحصیل آن در هر گوشه از خون جوانان وطن لاله دمیده است.

قانون اساسی هنوز از نظر عدالت خیلی ناقص و بهمان ترتیب که تحصیل شده باید کامل گردد.

آیا عرض قاننون اساسی از آزادی عقاید همین قدغن کردن کلیه عقاید بوده و آن خونها برای همین ظلم امروز ریخته شده است؟

چقدر برای یک جامعه سنگین است که طرفداری رنجبران و حفظ حقوق آنان در آن اینقدر سخت مجازات میشود.

قوه قضائیه خوابیده و میر غضب های جامعه با فعالیت تمام بیدارند.

از دفاعیه دکتر ارانی در دادگاه پنجاه و سه نفر

ارانی شعله های جاوید

پنهان امپریالیست های متخاصم در سرزمین ایران، اشغال نهائی کشور بوسیله نیروهای نظامی امپریالیسم انگلستان در سال ۱۲۹۷ و سر انجام تحمیل قرار داد ننگین سال ۱۲۹۸ که ایران را به مستعمره انگلستان مبدل میساخت، کودتای سید ضیاء الدین - رضاخان در سال ۱۲۹۹، افزایش روز افزون قدرت مطلقه رضا خان و تثبیت نهائی دیکتاتوری فردی او در سال ۱۳۰۴ - همگی از نقوذ بیش از پیش امپریالیسم و گسترش هر چه بیشتر دامنه استبداد در ایران حکایت میکنند. این سالها در عین حال دوران فضح جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک در ایران بود. در نتیجه تشدید تضاد های داخلی و تحت تأثیر انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثیر جنبش انقلابی در ایران گسترش مییافت. قیام آذربایجان در سال ۱۲۹۹ به سرکردگی شیخ محمد خیابانی، اعلام حکومت جمهوری در گیلان و تشکیل دولت انقلابی موقت به ریاست کوچک خان، قیام کلنل محمد تقی خسان در خراسان در سال ۱۳۰۲ و سپس قیام لاهوتی در آذربایجان نزره این جنبش بود. اگر چه تمام این قیام ها با شکست روبرو شدند، ولی در عین حال نشان دادند که مردم ایران در برابر دسائس امپریالیسم و استبداد تسلیم نمیشوند.

دکتر ارانی فرزند این دوران پر تلاطم تاریخ ایران بود و این حوادث بسی شک در شیوه تفکر، جهان بینی و مسیر زندگی او تأثیر عمیق باقی گذاشتند. شرکت فعال تقی ارانی در سن ۱۷ سالگی در تظاهراتی که تحت تأثیر این حوادث از طرف دانشجویان تهران بعمل میامد، حاکی از این امر است. تقی ارانی در سال ۱۳۰۱ برای ادامه تحصیل به آلمان رفت و در رشته شیمی به تحصیل پرداخت. دوران اقامت هشت ساله ارانی در آلمان دوران فعالیت سیاسی و انقلابی فردی است که در راه جهان بینی علمی مارکسیستی کام نهاده است. در این سالها جنبش کارگری در آلمان در حال پیشرفت بود. ارانی که تضاد های جامعه نیمه فئودالی و نیمه مستعمره ایران را به چشم دیده و شاهد بیکارهای خونین نافرجام مردم ایران بود، بزودی تحت تأثیر جنبش انقلابی طبقه کارگر و افکار مارکسیستی قرار گرفت. ارتباط ارانی با محافل دانشجویان کمونیست ایران در آلمان که تحت رهبری سلطان زاده، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران بوجود آمده بود ارانی را وارد فعالیت عملی انقلابی ساخت. ارانی در عکار اداره و نویسندگی «بیکار» و «بیرق انقلاب» که در آلمان انتشار مییافتند نیز در فعالیت سازمان غیر علنی مبارزه با استبداد رضا شاه شرکت فعال داشت. ارانی در آلمان به فرا گرفتن آثار کلاسیک های مارکسیسم و برررسی مطبوعات مارکسیستی پرداخت و در نتیجه مطالعات خود در رشته های مختلف علوم دقیقه

جنبش دموکراتیک مهاباد

ارانی شعله‌ای جاوید

دوم بهمن ماه را خلق کرد بمشابه روز پرافتخاری در تاریخ مبارزه خود یاد میکند. ۲۴ سال قبل دوم بهمن ماه سال ۱۳۲۴ خلق کرد با حمایت نیروهای مترقی و دموکراتیک ایران به سلطه سیاه حکومت ارتجاعی تهران پایان داد و امور داخلی خود را در گوشه‌ای از میهن بدست گرفت.

بلندگویان هیئت حاکمه‌ی ایران همواره میکوشند که جنبش رهایی بخش خلق کرد را تخطئه نمایند. ولی فاکت‌های تاریخی جنبش سال ۱۳۲۴ او پس از آن بنحو بارزی خلاف این ادعا را ثابت میکنند.

جنبش مهاباد در مبارزه خلق کرد دارای اهمیت ویژه‌ای است که نکات اساسی آن باختصار یاد آوری میشود:

برای اولین بار در تاریخ مبارزه‌ی خلق کرد یک جنبش ملی و دموکراتیک بود، که هدفهای مبارزه دوست و دشمن آنرا از لحاظ داخلی و خارجی منجزا تعیین کرده بود. تحت رهبری یک حزب دموکرات اداره میشد که دارای برنامه‌ی مترقی بود و نیروی اساسی آنرا دهقانان و زحمتکشان کرد تشکیل میدادند. در کردستان، بدست آوردن حقوق ملی، آزادی زحمتکشان، احیاء و توسعه زبان و ادبیات و مدارس و مطبوعات و فرهنگ کردی ایجاد بخشهای خدمات عام المنفعه برای زحمتکشان رونق اقتصاد و بازرگانی، و در داخل ایران دوستی و همکاری با خلقهای ایران، مبارزه مشترک در راه دموکراسی و آزادی سراسر کشور، هدفهای اساسی جنبش دوم بهمن را تشکیل میدادند. در عرصه جهانی مبارزه علیه فاشیسم و امپریالیسم، همکاری با خلقهای صلح دوست و دوستی و همبستگی با اتحاد جماهیر شوروی را اساس پیروزی میدانست.

جنبش دموکراتیک کردستان از یکطرف مورد حمایت نیروها و احزاب ملی و مترقی کشور واقع گردید، و از طرف دیگر ارتجاع ایران و دربار سلطنتی و امپریالیست‌ها را بوحشت انداخت. دستگاههای تبلیغاتی حکومت مرکزی و بلندگویان امپریالیسم بمنظور مشوب ساختن افکار عمومی و تدارک حمله برای سرکوب جنبش دست به یکرشته تبلیغات سراپا تهمت و افترا زدند.

حزب دموکرات کردستان در همان اوان تأسیس خود رهبری قاضی محمد اعلام داشت که جنبش دموکراتیک کردستان بمنظور تقویت مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای ایران و تأمین حقوق ملی خلق کرد، در چارچوب جغرافیائی کشور ایران بوجود آمده است.

در اولین اعلامیه‌ی حزب دموکرات کردستان، مورخه ۲۵ مرداد سال ۱۳۲۴ پس از اشاره برندگی طاق فرسا و محرومیت‌های خلق کرد و ستم حکومت مرکزی چنین میخوانیم: خلق کرد در داخل حدود دولت ایران برای انجام کارهای محلی خویش باید آزاد باشد. و در حدود دولتی ایران دارای

خود مختاری باشد. بر اساس قانون اساسی باید انجمنهای ایالتی کردستان زودتر انتخاب شوند و کارهای اجتماعی دولتی را تحت نظر داشته باشند.

بدین سان برخلاف تبلیغات ارتجاع هدف جنبش دموکراتیک مهاباد، نه تنها تجزیه طلبی نبوده بلکه یک نهضت ضد استعماری و دموکراتیک بود، که برای بدست آوردن حقوق ملی در چارچوب یک ایران آزاد و مستقل و دموکراتیک مبارزه میکرد.

حمایت نیروهای مترقی کشور از جنبش دموکراتیک مهاباد، بویژه پشتیبانی حزب توده‌ی ایران و نمایندگان آن حزب در مجلس چهاردهم از حقوق خاق کرد و حکومت مهاباد شرکت حزب دموکرات کردستان در جبهه مؤتلفه احزاب آزادیخواه (خرداد ماه) همه و همه گواه بارزی است بر بوج بودن تبلیغات و ادعای ارتجاع و حکومت ضد ملی ایران و عادلانه بودن جنبش دموکراتیک کردستان. حکومت ملی که در اثر جنبش دموکراتیک مهاباد رهبری قاضی محمد تشکیل شد، تنها در عرض یکسال گامهای مهمی را بنفع زحمتکشان کرد و انجام اصلاحات اجتماعی برداشت. بهمین علت هم ارتجاع ایران و امپریالیستها از توسعه و همکاری جنبش خلق کرد با نهضت ضد امپریالیستی سراسر ایران بوحشت افتادند، و حکومت ایران بکمک امپریالیستها، بویژه امپریالیسم آمریکا، کردستان را مورد حمله قرار داد و با کشتار بیرحمانه و قتل دهها نفر از میهن پرستان کرد که قاضی محمد در رأس آنها قرار داشت، جنبش دموکراتیک مهاباد را سرکوب ساخت، اگر محمد رضا شاه توانست به کمک امپریالیست‌ها جنبش رهایی بخش خلق کرد را در خون خفه سازد، علل زاینده‌ی آن

جنبش امروز بعد از ۲۴ سال با شدت بیشتری در برابر چشمان خاق کردستان و مردم سراسر ایران نمایان است، در اعلامیه‌ی حزب دموکرات کردستان (مهر ماه ۱۳۴۷) که بمناسبت یورش وحشیانه‌ی نیروهای مسلح شاه به کردستان و قتل و اعدام دهها نفر از مبارزین کرد انتشار یافته است گفته میشود: «کردستان ایران با جمعیتی بیشتر از چهار میلیون نفر از ثروتمندترین منطقه کشور است، ولی اهمال عمدی دستگاه و سیاست تبعیض آلودش آنرا در عقب افتادگی اجباری نگاه داشته است. هیئت حاکمه بجای تأسیس مدارس، درمانگاهها و بیمارستانها، کارخانه‌ها و کارگاههای صنعتی، مکابزه کردن کشاورزی و احیاء اقتصاد منطقه، مشغول توسعه سربازخانه‌ها، جاده‌ها و فرودگاههای نظامی است.

سیاست محروم کردن خلق کرد از تحصیل بزبان مادری و احیای فرهنگ و سنن ملی و نیز در پیش گرفتن روش اعمال فشار و ارعاب و خشونت هم ناشی از تعقیب سیاست

روانشناسی، علوم تربیتی، ادبیات و غیره دانشمندی، ژرف بین و مارکسیستی زوجوانب از کار درآمد.

نظریات اجتماعی و عقاید سیاسی ارانی در آلمان شکل گرفت. بدینسان ارانی با مچهر شدن به جهان بینی مارکسیستی و با آندوختن تجاربی در زمینه های سازمانی و تبلیغاتی با عزمی راسخ برای اجرای نقشه هائی که در آلمان پی ریزی شده بود، در سال ۱۳۰۹ به ایران بازگشت.

بزرگترین خدمت ارانی در ایران بنیاد گذاری مجله «دنیای» در آغاز سال ۱۳۱۱ بود. مجله «دنیای» با طرح مسائل فلسفی و علمی و اجتماعی برای نخستین بار به تبلیغ منظم مارکسیسم در ایران پرداخت. نفوذ این مجله در میان روشنفکران و دانشجویان و بخصوص محتوی انقلابی مقالات آن، گرچه با زبان مسطور نوشته میشد، هیئت حاکمه را دچار وحشت ساخت. در سال ۱۳۱۴، پس از انتشار ۱۲ شماره از انتشار بعدی آن جلوگیری بعمل آمد. ولی «دنیای» با همین شماره های معدود توانست چه در دوران انتشار خود و چه در دوران اعتدالی مجدد جنبش انقلابی در ایران، در پرورش ایدئولوژیک جوانان ایرانی نقش بزرگ ایفاء نماید.

در سال ۱۳۱۳ گروههای مختلفی از کمونیست های ایران با تشکیل یک مرکز رهبری در تهران، برای احیاء حزب کمونیست ایران اقدام بعمل آوردند. دکترا ارانی یکی از اعضا سه گانه این مرکز رهبری بود. کار میان دانشجویان و جوانان روشنفکر به ارانی محول گردید. ارانی در جریان تدریس و ضمن ملاقات های خود با محصلین و دانشجویان

ارتجاعی تبعیض ملی حکومت در نیمه دوم قرن بیستم است.

بدینسان مشاهده میشود که عالی بیدایش جنبش مهاباد نه تنها از بین نرفته بلکه تشدید هم شده است. خلق کرد امسال در شرایطی بیست و چهارمین سال حکومت مهاباد را یاد میکند، که هنوز خون دهها فرزند مبارز مانند شریف زاده ها، معینی ها، آواره ها، زنگنه ها، در دشت ها و کوه های کردستان میجوشد. صدها خانواده در تمیزی فرزندان خود سیاه پوش هستند. صدها نفر از زحمت کشان کرد در زندانها و تبعیدگاههای رژیم دچار سرنوشت نامعلومی شده اند.

خلق کرد از شکست جنبش مهاباد، و همچنین از جنبش ۱۳۴۷ - ۱۳۴۶ درس های پر ارزشی گرفته است.

مهمترین آنها این است که بدون سازمان انقلابی، که دارای تئوری و نظریه انقلابی، باشد بدون وحدت و همکاری با سایر خلقهای ایران و نیروهای ملی و مترقی کشور بویژه بدون تکیه بر حزب طبقه کارگر ایران و اتحاد با آن نمیتواند به حقوق ملی خویش نائل شود با درس گرفتن از این تجربه و اقمی خلق کرد

علاقه آنان را بسوی خود جلب میکرد مستعدترین آنان را در صفوف سازمان متشکل میساخت و به فعالیت در میان سایر دانش آموزان و دانشجویان سوق میداد. در مدت فعالیت ارانی در میان دانشجویان اعتصاب های متعددی در دانشکده های تهران انجام گرفت که برخی از آنها با کامیابی توأم بود.

متأسفانه دوران فعالیت سیاسی و انقلابی ارانی در ایران بس کوتاه بود. در اوایل سال ۱۳۱۶ شهربانی با استفاده از ضعف برخی افراد، ارانی و عده زیادی از یاران او را دستگیر کرد و سازمان جدید کمونیستی ایران را متلاشی ساخت.

جریسان دادرسی ارانی و یارانش نشان داد که اراده انقلابیون واقعی را با شکنجه و زندان نمیتوان درهم شکست. ارانی در دادگاه بجای دفاع شخصی به تشریح عقاید اجتماعی خود و یارانش پرداخت، باطل بودن قوانین حافظ منافع اقلیت، آلت دست بودن و بی اعتباری قوه مقننه، خود کامگی و فساد قوه مجریه و زبونی وی شخصیتی قوه قضائیه را با صراحتی کوبنده و شجاعتی کسم نظیر نشان داد.

ارانی از عواقب این افشاگری بخوبی آگاه بود. او میدانست که قربانی قانون نامقدس خواهد شد که جلادانی چون مختاری و پزشک احمدی ننگ پاسداری آنرا بدوش میکشند. سر سختی و پایداری ارانی خشم درخیمان را چنان برانگیخته بود که فقط با آلودن دستان خود به جنایت تازه میتوانستند آتش این کینه حیوانی را فرو نشانند و سی سال پیش این جنایت بزرگ انجام گرفت.

قابل توجه!

از خوانندگان گرامی نشریات توده خواهشمندیم بهای نشریات را فقط با حواله بانکی ارسال دارند نه با حواله پستی موجب تشکر خواهد بود.

قابل توجه خوانندگان گرامی

برای آنکه در دریافت نشریات توده هیچگونه وقفه‌ای رخ ندهد، از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که تغییر آدرس خود را به موقع اطلاع دهند.

همگام با همه نیروهای آزادیخواه و مترقی کشور، در راه آزادی و دموکراسی و ایجاد یک ایران آزاد و مستقل و دموکرات، دور از سيطرة امپریالیسم و استعمار نو، و در راه وجود آوردن یک حکومت ملی و دموکراتیک که حقوق ملی خلقهای ایران را برسمیت بشناسد مبارزه خواهد کرد. و در این مبارزه از فداکاریها و جانبازیهای شهیدان جنبش دوم بهمن ماه مهاباد، و سایر شهداء راه آزادی ایران الهام خواهد گرفت.

ح. شیروان